

مواسات در هنگامه بحران

حجت‌الاسلام والمسلمین علی اسلامی (مدیر)*

اشاره

از اصول معاشرت اسلامی، مواسات است. مواسات، معادلی تکواژ در زبان فارسی ندارد، گرچه با مسامحه آن را به «کمک کردن و یاری دادن» معنا کرده‌اند.^۱ برخی از واژه‌پژوهان گفته‌اند: «مواسات، این است که انسان، دیگری را در آنچه روزیش شده است شریک و سهیم کند».^۲ می‌توان گفت مواسات به معنای «سهیم و شریک کردن دیگران در امکاناتی است که در اختیار داریم؛ در حد توان».

مواسات میان برادران دینی، کمک و تأمین همه جانبه است؛ به گونه‌ای که مؤمنان تا آنجا که در توان دارند، برادران ایمانی خویش را چون خود بنگرند و نیازهایشان را چون نیاز خود تأمین کنند.

مواسات در قرآن

در ظاهر قرآن کریم به مواسات تصریح نشده است؛ ولی می‌توان آن را از مصادیق برخی آموزه‌های قرآنی، مانند «احسان و نیکوکاری»، «همیاری در نیکوکاری: تعاون بر برّ»، و «خیرخواهی» دانست؛ همچنین مواسات از مصادیق «انفاق» است که در آیاتی پرشمار از قرآن کریم بدان سفارش شده است؛ برای نمونه، خدای سبحان به مؤمنان می‌فرماید: «آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُولِهِ وَ أَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ أَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ»^۳؛

* استادیار پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری خوارزمی، مقدمة الأدب، ص ۲۳۲.

۲. عبدالله علی مهنا، لسان اللسان: تهذیب لسان العرب، ج ۱، ص ۳۰.

۳. حدید: ۷.

«ایمان به خدا و رسول را در خود تقویت کنید و از دارایی‌هاتان که خدا شما را در آن‌ها جانشین دیگران کرده است، انفاق کنید. پس کسانی از شما که ایمان آوردند و انفاق کردند، پاداشی بزرگ خواهند داشت».

آموزه‌های دینی، مانند انفاق و مواسات نشان می‌دهند که هرکس خدا روزی‌ای گسترده به او داده، حق ندارد همه آن را در زندگی شخصی خود و هرگونه خواست صرف کند؛ در صورتی که کنار او شکم‌هایی گرسنه و جگرهایی سوخته وجود داشته باشند. پس کسی که روزی گسترده‌ای دارد، باید نسبت به کسانی که با تنگی و سختی رو به رو هستند، مواسات داشته باشد؛ یعنی بخشی از مال و امکانات خود را به آنان ببخشد.^۱

مواسات در آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام

مواسات از فضایل ارزشمند اخلاقی است که پیشوایان معصوم علیهم‌السلام بر آن بسیار تأکید کرده‌اند؛ برای نمونه:

۱. مواسات، از بهترین مصادیق تکریم (گرامی داشتن) برادران دینی است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره آن فرمودند: «مَنْ أَكْرَمَ أَخًا، فَإِنَّمَا يُكْرِمُ اللَّهَ، فَمَا ظَنُّكُمْ بِمَنْ يُكْرِمُ اللَّهَ بِأَنْ يَفْعَلَ بِهِ»^۲؛ «هرکس برادر [دینی] اش را گرامی بدارد، خدا را گرامی داشته است. فکر می‌کنید خدا با آن بنده‌ای که او خدا را گرامی داشته است، چه خواهد کرد».

۲. امیرمؤمنان علی علیه‌السلام نیز فرمودند: «السَّيِّدُ مَنْ تَحَمَّلَ أَثْقَالَ إِخْوَانِهِ وَأَحْسَنَ مُجَاوَرَةً جِيرَانِهِ»^۳؛ «بزرگ و سرور، کسی است که سنگینی [مشکلات زندگی] برادرانش را بر دوش کشد و با همسایگانش نیک همسایه‌داری کند». آن حضرت از یک سو مواسات را بهترین عامل برای حفظ دوستی دانسته و فرمودند: «مَا حِفْظُ الْأُخُوَّةِ بِمِثْلِ الْمُوَاسَاةِ»^۴؛ «هیچ چیز، مانند مواسات، برادری را حفظ نمی‌کند» و از سوی دیگر آن را نشان خوش‌تباری دانسته و فرمودند: «إِنَّ مُوَاسَاةَ الرَّفَاقِ مِنْ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ»^۵؛ «مواسات با رفیقان، نشان داشتن تبار والاست».

۳. امام سجاد علیه‌السلام نیز در «صلوات شعبانیه» به خدای سبحان عرض می‌کند: «وَارْزُقْنِي

۱. ر.ک: محمدرضا حکیمی، الحیاة با ترجمه احمد آرام، ج ۴، ص ۳۰۵-۳۰۶.

۲. محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، ص ۳۳۹.

۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۲۰.

۴. همان، ص ۴۱۷.

۵. همان.

مُؤَاسَاةً مِّن قَتَرْت عَلَيْهِ مِّن رِّزْقِكَ، بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِّن فَضْلِكَ؛^۱ به من توفیق ده، تا کسانی را که به آنان روزی کمتری داده‌ای، در آن بیشتر که بهره من کرده‌ای، سهیم سازم».

۴. امام باقر علیه السلام نیز فرمودند: آیا شده است که یکی از شما دست در کیسه [یا جیب] برادرش کند و آنچه نیاز دارد، از آن بردارد و کسی مانعش نشود؟ راوی گفت: چنین چیزی میان خودمان ندیده‌ام. امام علیه السلام فرمودند: پس هنوز به هیچ چیزی نرسیده‌اید. راوی گفت: در این صورت، همه نابود شده‌ایم؟! فرمودنو: هنوز این مردم، خردهایشان کامل نشده است: «أَيُّجِيءُ أَحَدُكُمْ إِلَى أَخِيهِ فَيُدْخِلُ يَدَهُ فِي كَيْسِهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ فَلَا يَدْفَعُهُ؟ فَقُلْتُ: مَا أَعْرِفُ ذَلِكَ فِينَا. فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: فَلَا شَيْءَ إِذَا. قُلْتُ: فَالْهَلَاكُ إِذَا! فَقَالَ: إِنَّ الْقَوْمَ لَمْ يُعْطُوا أَحْلَامَهُمْ بَعْدُ».^۲ جمله پایانی حدیث در روایتی از امام سجاد علیه السلام چنین است که پس برادر نیستید: «فَلَسْتُمْ بِأَخْوَانٍ».^۳

۵. افزون بر آنچه گذشت، روایات بیانگر «حقوق برادری»، آنجا که می‌گویند مؤمن برادر مؤمن خود را وانمی‌گذارد و او را خوار نمی‌کند و او را محروم نمی‌کند، به موااسات اشاره دارند، چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَخُونُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ وَلَا يَعْيبُهُ وَلَا يَحْرِمُهُ وَلَا يَغْتَابُهُ»؛ «مسلمان، برادر مسلمان است: به او خیانت نمی‌کند؛ او را و او را نمی‌گذارد؛ بر او خرده نمی‌گیرد؛ او را محروم نمی‌سازد و غیبتش نمی‌کند».

۶. امام صادق علیه السلام نیز موااسات را از «حقوق برادری» دانسته و در پاسخ کسی که پرسید: حق مؤمن بر مؤمن چیست؟ فرمودند: «إِنَّ مِنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ الْمَوْدَّةَ لَهُ فِي صَدْرِهِ وَ الْمَوَاسَاةَ لَهُ فِي مَالِهِ»؛ «بی‌گمان از جمله حقوق مؤمن بر مؤمن، دوستی قلبی او و موااسات مالی با اوست»؛ همچنین امام علیه السلام به این نکته اشاره فرمودند که باید همانند انصار باشید که در عهد رسول خدا در شهر مدینه به مهاجران مکی پناه دادند: «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ ... عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ مَعْشَرُ الْأَنْصَارِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم»^۴؛ «مسلمان، برادر مسلمان است به‌گونه‌ای که انصار در روزگار پیامبر خدا بودند».

۱. محمد بن حسن طوسی، مصباح المتعجد وسلاح المتعبد، ج ۲، ص ۸۲۹.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۷۴؛ حسین بن سعید الأهوازی، المؤمن، ص ۴۴.

۳. محمد محسن فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ج ۳، ص ۳۲۰.

۴. حسین بن سعید الأهوازی، المؤمن، ص ۴۳.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۷۱.

۶. همان، ج ۲، ص ۱۷۴.

اهمیت مواسات در هنگامه بحران

گرچه مواسات همواره مطلوب است، در شرایط بحرانی مانند دوران جنگ و دفاع به مراتب لازم تر و ارزشمند تر است و از همین رو در برخی روایات بر مواسات در دوران سختی ها تأکید شده است، چنان که امیر مؤمنان علی علیه السلام، مواسات را معیار سنجش صداقت در دوستی برشمرد و فرمودند: «أَصْدَقُ الْإِخْوَانِ مَوَدَّةُ أَفْضَلُهُمْ لِإِخْوَانِهِ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ مُوَاسَاةً»؛ «صادق ترین برادران در دوستی، کسانی هستند که در خوشی و ناخوشی با برادران خود بیشتر و بهتر مشارکت و مواسات کنند»؛ یا فرمودند: «فِي الصِّيقِ وَالشَّدَّةِ يَظْهَرُ حُسْنُ الْمَوَدَّةِ»؛ «در تنگنا و سختی، دوستی راستین، آشکار می شود».

از آنجا که یکی از پیامدهای جنگ و دفاع و همچنین دیگر شرایط بحرانی در هر کشور، بی خانمانی (از دست دادن خانه و لوازم خانگی) و هجرت و آوارگی است، به دو مصداق و نمونه از مصداق مواسات باید بیشتر توجه کرد:

۱. مواسات در اسکان: اسکان مردمی که به سبب تهاجم دشمن، خانه هایشان ویران شده یا آسیب دیده و قابل سکونت نیستند، یا به سبب شرایط دشوار جنگی ناچارند از شهر و دیار خود به منطقه ای دیگر هجرت کنند. اینان گرچه در شرایط عادی و در وطن خود مردمانی متمکن و بی نیاز باشند، در شرایط جنگی نیازمند کمک و توجه دیگران هستند و باید به همه نیازهایشان، به ویژه در اسکان توجه کرد.

در این زمینه توجه به روایت مفصل بن عمر از امام صادق علیه السلام راهگشاست که در آن چنین آمده است که هرکس خانه ای داشته باشد و مؤمنی به سکونت در آن نیازمند باشد؛ اما او برادر مؤمن خود را از آن منع کند [خانه خود را از وی دریغ دارد] خدای والا به فرشتگانش خطاب کند: ای فرشتگان من، آیا بنده من به بنده دیگر از سکونت در خانه دنیا بخل ورزید؟ به عزّت و جلالم سوگند که او هرگز در بهشت های من ساکن نخواهد شد: «مَنْ كَانَتْ لَهُ دَارٌ فَاحْتَجَّ مُؤْمِنٌ إِلَى سُكْنَاهَا فَمَنَعَهُ إِيَّاهَا قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: يَا مَلَايِكَتِي، أَبْخَلْ عَبْدِي عَلَى عَبْدِي بِسُكْنَى الدَّارِ الدُّنْيَا وَعَزَّتِي وَجَلَالِي لَا يَسْكُنُ جَنَانِي أَبَدًا».^۳

۲. مواسات در ماعون: ماعون، چیزی است که مانند لوازم خانگی نیاز انسان را تأمین

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۱۷.

۲. همان، ص ۴۲۴.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۶۷.

می‌کند. برپایه روایات اهل بیت علیهم‌السلام، مسلمان نباید «ماعون» را از دیگری بازدارد، چنان‌که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ، لَا يَمْنَعُهُ الْمَاعُونُ»^۱؛ «مسلمان برادر مسلمان است و او را از «ماعون» محروم نمی‌کند». امام صادق علیه‌السلام نیز فرمودند: سخن خدای بزرگ «وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ»^۲ وامی است که به کسی می‌دهند و کار پسندیده‌ای است که برای کسی می‌کنند و کالای خانه است که عاریه می‌دهند: «هُوَ الْقَرْضُ يُقْرِضُهُ وَ الْمَعْرُوفُ يَصْطَنِعُهُ وَ مَتَاعُ الْبَيْتِ يُعِيرُهُ»^۳.

پیامد بی‌توجهی به موااسات

در سخنان پیشوایان دین، تهدیدها و کفرهایی درباره کسانی وارد شده است که به موااسات و رفع نیاز دیگران بی‌توجهی می‌کنند، چنان‌که امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «إِنَّمَا مُؤْمِنٌ مَنَعَ مُؤْمِنًا شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسَوِّدًا وَ جَهَنَّهُ مُزْرَقَةً عَيْنَاهُ مَغْلُولَةً يَدَاهُ إِلَى عُنُقِهِ، فَيَقَالُ: هَذَا الْخَائِنُ الَّذِي خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ، ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ»^۴؛ «هر مؤمنی که نیاز مؤمنی دیگر را پاسخ نگوید، در حالی که می‌تواند از خود یا از دیگری نیاز او را تأمین کند، خداوند در روز قیامت وی را با صورت سیاه و چشمان بهت‌زده و کبود و دست‌های به گردن بسته روی پا نگه می‌دارد؛ آن‌گاه گفته می‌شود این همان خیانتکاری است که به خدا و رسول او خیانت کرده است. سپس فرمان داده می‌شود او را به دوزخ برند».

به نظر برخی فقیهان، این‌گونه روایات، بر وجوب موااسات دلالت دارند، زیرا یادکرد کفر با آتش در این روایات نشان می‌دهد که رفع نیازهای ضروری و شدید دیگران در حدود توانایی، وظیفه واجب مسلمانان است، وگرنه کسی به علت ترک امر غیر واجب، نباید با آتش مجازات شود.^۵

۱. عبدالرحمن بن ابی بکر جلال الدین سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۶، ص ۴۰۰.

۲. خدای سبحان در این سوره می‌فرماید: پس وای بر این نمازگزاران! که از نمازشان غافل‌اند و بدان اهمّامی ندارند؛ همانان که در عبادت‌هاشان ریا می‌کنند و از دارایی‌های خویش آنچه نیاز دیگران را برمی‌آورد، دریغ می‌ورزند (ماعون: ۴-۷).

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۹۹.

۴. احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۱۰۰؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۶۷.

۵. ر.ک: محمدباقر صدر، اقتصادنا، ص ۶۹۹.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، قم: دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر و التوزیع - دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۴. ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری خوارزمی، مقدمة الأدب، تحقیق: محمد دبیرسیاقی، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۴۱ش.
۵. الأهوازی، حسین بن سعید، المؤمن، تحقیق مدرسه الامام المهدی، بیروت: دارالمعارف، بی تا.
۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تصحیح جلال الدین محدث، قم: دار الکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق و تصحیح: مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶ش.
۸. حکیمی، علی؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، محمدرضا؛ الحیة، ترجمه: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱ش.
۹. سیوطی، عبدالرحمن بن أبی بکر جلال الدین؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
۱۰. صدر، سید محمدباقر، اقتصادنا، چاپ اول، بیروت: دار التعارف، ۱۳۸۱ق.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتعبد، بیروت: مؤسسة فقه الشیعة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۱۲. فیض کاشانی، محمدمحسن، المحجة البيضاء، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳ق.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: نشر دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
۱۴. کوفی، حسین بن سعید، کتاب المؤمن، قم: تحقیق و نشر: مدرسه الامام المهدی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۱۵. مهنا، عبدالله علی، لسان اللسان: تهذیب لسان العرب، ریاض: دار الشروق، ۱۹۹۲م.